

کنجکاو

و شناخت اشیاء می باشد. پیوسته به این طرف و آن طرف نگاه می کند و در صورت اشخاص خیره می شود. کودک به وسیله استعمال حواس و کنجکاو و تحقیق به علوم خویش می افزاید و کسب دانش می کند. خدا در قرآن می فرماید: خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی را نمی دانستید، و برای شما گوش و چشم و قلب بیافرید باشد که نعمتهای خدا را بشناسید و سپاس گوئید. ۱۰

بعد از مدت کوتاهی، کودک به جهان خارج توجه پیدا می کند. اشیاء را با دست لمس می کند می گیرد، حرکت می دهد به زمین می زند، به دهان می برد. به صداها گوش می دهد، با چشم حرکت اشخاص را تعقیب می نماید. و بدین وسیله، حس کنجکاو خویش را اشباع و برای شناخت جهان تلاش می کند. خداوند بزرگ حس کنجکاو و تحقیق را در نهاد بشر ودیعه گذارده تا با کوشش و تلاش خود از اسرار جهان پرده بردارد و به راز آفرینش عالم پی ببرد. کودک فطرتاً " محقق و کنجکاو است، و حتی القوه در این باره کوشش می کند. اما پدر و مادر می توانند کودک را در این باره تشویق و تحریک نمایند و می توانند احساس درونی او را سرکوب سازند. اگر اشیاء و وسائل تحقیق را در اختیارش قرار دادند و به او آزادی دادند که مطابق دلخواهش به آزمایش بپردازد و بحسب اقتضای سن او اسباب بازیهای فکری و علمی جالب برایش خریدند. و در اختیارش قرار دادند، روح تحقیق و کنجکاو را در او پرورش خواهند داد



نوزاد وقتی به دنیا آمد از جهان خارج بی اطلاع می باشد. همه چیز نزد او یکسان است. بین اشکال و الوان و اشخاص فرق نمی گذارد. از اشکال و اصوات متاثر می شود ولی آنها را تشخیص نمی دهد. اما از همان هنگام با حرص و ولع تمام درصدد کنجکاو و تحقیق

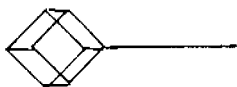
بیشتری دارند. و هر چه بر اطلاعات آنان افزوده می شود سؤالات دقیق تری را مطرح می سازند. کودک با سؤالات و کنجکاوی به خود می خواهد در شناخت جهان خارج، از اطلاعات و تجربیات دیگران اسانده کند.



همین کنجکاویهای کودکانه است که بعداً "بسه صورت اکتشافات علمی آشکار می گردد. یک اتاق پر از اشیاء مختلف، گرچه فرسوده و شکسته و بلااستفاده باشند، در این سنین، برای کودک خیلی قابل استفاده و شمربخش خواهد بود ولی اگر پدر و مادر احساس درونی کودک را اشباع نکردند، وسائل و اسباب لازم را در اختیارش قرار ندادند و او را از تحقیق و آزمایش ممنوع ساختند، روح کنجکاوی در او سرکوب میشود و در کارهای علمی و اکتشافی شکست خورده و ماء یوس می گردد.

از این مرحله، مهم تر مرحله ظهور پرسشهای اکتشافی و علمی است. سن دوسه سالگی به بالا سن سؤالات است. در این سنین که عقل و هوش کودک تا حدی تکامل یافته و حرف زدن را یاد گرفته است، پدر و مادر را سؤوال پیچ می کند مثلاً "من بعداً" ماما می شوم یا بابا؟ یا چرا هر روز از خانه بیرون می رود؟ چرا سنگ سفت و آب شل است؟ من که مادر بزرگ را دوست نمی دارم چرا به خانه اش بروم؟ چرا زیر باران بازی نکنم مگر زنگ می زنم؟

چرا ماهیها در آب خفه نمیشوند؟ چرا شما هر روز نماز می خوانید؟ نماز یعنی چه؟ خورشید شبها کجا میرود؟ باران و برف از کجا می آیند؟ ستاره ها چیستند و چه کسی آنها را درست کرده است؟ مگس و پشه چه فایده ای دارند؟ پدر بزرگ که مرد چرا خاکش کردند؟ کجا رفت؟ کی بر می گردد؟ مردن یعنی چه؟ و صدها از این قبیل سؤالات که کودکان کم یا بیش دارند. سؤالات کودکان یکسان نیست، بلکه در سنین مختلف و نسبت به افراد تفاوت دارد. کودکان با هوش پرسشهای دقیق تر و



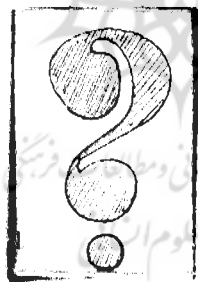


نکن ، من چه می دانم ؟ وقتی بزرگ شدی می-
فهمی ، حالا وقت این سئوالات نیست ، ولم
کن حوصله ندارم ، این قبیل پدران و مادران
گرانبهترین غریزه انسانی را در فرزند خویش
خاموش و سرکوب می سازند و بدین وسیله
بزرگترین ضربه را به روح و روان او وارد ساخته
رشد و ترقی عقلی او را متوقف می سازند . بعداً "
شکایت می کنند که چرا فرزند ما به اکتشافات
علمی علاقه ندارد و از حل مشکلات علمی
اظهار عجز می نماید . در صورتیکه خودشان
باعث اینکار شده اند . اگر این غریزه درست
اشباع نشد ممکن است از مسیر حقیقی منحرف
شود و بعداً " بصورت تجسس و پی بردن باسرار
و رازهای مردم خود نمایی کند .

بعضی از پدران و مادران برای راضی کردن
فرزندان خویش به سئوالات آنان پاسخ می دهند

غریزه تحقیق و کنجکاوی یکی از غرائز گرانبهای
انسانی است . به برکت وجود این غریزه است که
انسان تکامل یافته ، بسیاری از اسرار و رازهای
جهان آفرینش را کشف نموده و در علوم و صنایع
به ترقیات شگرفی نائل گشته است . پدران و
مادرانی که به ترقی و تکامل فرزندان خویش
و جامعه انسانیت علاقه دارند از این غریزه
خدادادی حداکثر استفاده را می نمایند .

بعضی از پدران و مادران سئوالات کودکانه
را یک نوع پرحرفی و فضولی می شمارند و چندان
توجهی به جواب دادن ندارند . می گویند :
بچه که چیز نمی فهمد وقتی بزرگ شد خواهد
فهمید ، آخر ما چگونه می توانیم ، به سئوالات
آنها جواب بدهیم . در برابر سئوالات بچهها
می گویند : بچه جان ! اینقدر حرف نزن ، فضولی



می شود .

کودکان و نوجوانان را در تحقیق و کنجکاو
تشویق کنید و با بحث و استدلال آشنا سازید
و در صورت امکان و لزوم به آزمایش و تجربه
و آوار نماید. کودک یک انسان متفکر است
فکر او را تقویت کنید تا نیروهای نهفته خویش
را بکارانند و از هوش و فکر خود استفاده کند
و برای زندگی آینده آماده گردد .

حضرت علی علیه السلام فرمود: هر کس در
کوچکی سؤال کند در بزرگی جواب خواهد داد
امیرالمومنین علیه السلام فرمود: قلب کودک
مانند زمین بایر است هر چه در آن القاشود می-
پذیرد .۳

خانم ... در ضمن نامه اش می نویسد: شبی
پدرم به خانه آمد و برای من معنائی گفت ، و
اظهار داشت که همکارانم از حل این معما عاجز
بودند . همه خوابیدند ولی من تصمیم داشتم
معما را حل کنم . نادیرگاه فکر کردم و بالاخره
به حل آن معما نائل گشتم . با ذوق و خوشحالی
پدرم را از خواب بیدار کردم و جواب معما را
گفتم . پدرم خوشحال شد و برایم آفرین گفت .
پدرم همیشه کارهای فکری را به من ارجاع
می نمود و در این باره تشویق می کرد . بدین
جهت در حل معماها و مسائل فکری توانا
شدم . و مشکلات زندگی را با تفکر حل می کنم .

۱- محفل آیه ۷۸

۱- اغرالحکم ص ۴۵

۲- اغرالحکم ص ۲۰۲

اما چندان تقیدی ندارند که جواب صحیح
بدهند . آنها می خواهند بچه شان خاموش بشود ،
چه جواب درست بشنود چه نادرست . جواب
صحیح و قابل فهم کودکان هم بسیار دشوار است
بدین جهت برای اقناع کودک جوابی می دهند
و با اصطلاح سرش را می پیچند . البته ممکن است
کودک بدین وسیله موقتاً "ساکت شود اما غریزه"
کنجکاو او نه تنها اشباع نشده و راه تکامل را
نپیمود ما ست بلکه در مسیر گمراهی و خلاف واقع
قرار گرفته است وقتی بزرگ شد و واقع را کشف کرد
به پدر و مادر که او را گمراه نمودمانند بدبین
خواهد شد . و اصلاً ممکن است فردی شکاک بار
بیاید و به همه کس و همه چیز بدگمان باشد .

اما پدران و مادران مسئول و متعهد این غریزه
گرانبهای خدادادی را ضایع نمی گذارند و حداکثر
استفاده را از آن می کنند . آنان وظیفه خویش
می دانند که به پرسشهای کودکان ، جواب صحیح
و قابل فهم بدهند . قبلاً خودشان را آماده
می سازند ، مطالعه و فکر می کنند . با زبان
کودکانه با آنان حرف می زنند و به سئوالاتشان
خوب گوش می کنند و پاسخ می دهند . هرگز خلاف
واقع نمی گویند . و اگر درجایی از دادن پاسخ
عاجز بودند ، رسماً اظهار نادانی می کنند . و
بدین وسیله هم غریزه کنجکاو کودک را تشویق
می نمایند ، هم به او یاد می دهند که در موقعی که
چیزی را نمی داند از اظهار نادانی خجالت نکشد .
بعضی از پدران و مادران در جواب دادن به
سئوال کوتاه به طور تفصیل وارد جواب می شوند
و هر چه در این باره می دانند می گویند . ولی این
کار هم درست نیست ، زیرا به تجربه ثابت شده
که کودک حوصله پرحرفی ندارد . او فقط جواب
سئوال خودش را می خواهد و از پرحرفی خسته